



## حضرت فاطمه

پرسش: آیا در مورد علت [شهادت حضرت فاطمه](#) (علیها سلام) در [کتابهای اهل تسنن](#) هم چیزی آمده یا خیر؟

### فهرست مندرجات

- ۱- [مقدمه](#)
- ۲- [قول علمای اهل سنت در حسارت به حضرت زهرا](#)
- ۳- [قول سید مرتضی](#)
- ۴- [آتش زدن خانه حضرت علی در کلام مسعودی](#)
- ۵- [حسارت به حضرت فاطمه در منابع اهل سنت](#)
- ۶- [بانویس](#)
- ۷- [منبع](#)

### مقدمه

از سؤالات اساسی در ماجرای آتش زدن خانه [حضرت علی](#) (علیه السلام) و [اهانت](#) به آن بزرگوار این است که: آیا (چنان که [شیعیان](#) می‌گویند) به ساحت [حضرت فاطمه زهرا](#) علیها السلام نیز [حسارت](#) کردند؟ و بر آن حضرت صدماتی وارد شد که منجر به شهادت او و فرزندش گردید یا خیر؟  
در اینجا بطور اجمالی به پاسخ این مطلب می‌پردازم:

### قول علمای اهل سنت در حسارت به حضرت زهرا

برخی از [دانشمندان اهل سنت](#) برای حفظ موقعیت [خلفا](#) از بازگو کردن این قطعه از تاریخ خودداری نموده‌اند؛ از جمله [ابن ابی الحدید](#) در شرح خود می‌گوید: «حسارتی را که مربوط به [فاطمه زهرا](#) علیها السلام نقل شده، در میان [مسلمانان](#) تنها [شیعه](#) آن را نقل کرده است.»  
<sup>[۱]</sup> شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۶۰.

### قول سید مرتضی

البته برخی از دانشمندان و [مورخان اهل سنت](#)، در این بخش، از بیان واقعیات تاریخی شانه خالی کرده‌اند؛ چنان که [سید مرتضی](#)، رحمة الله علیه در این زمینه می‌گوید:  
«در آغاز کار، [محدثان](#) و [تاریخ نویسان](#) از نقل حسارت‌هایی که به ساحت دختر [پیامبر گرامی اسلام](#) (صلی الله و علیه و آله) وارد شده امتناع نمی‌کردند. این مطلب در میان آنان [مشهور](#) بود که مأمور [خلیفه](#) با فشار، درب را بر [فاطمه](#) علیها السلام زد و او فرزندی را که در [رحم](#) داشت [سقط](#) نمود و [قنفذ](#) به امر [عمر](#)، فاطمه زهرا علیها السلام را زیر تازیانه گرفت تا او دست از [علی](#) بردارد؛ ولی بعدها دیدند که نقل این مطالب با مقام و موقعیت [خلفاء](#) سازگاری ندارد؛ لذا از نقل آنها خودداری نمودند.»  
<sup>[۱]</sup> سید مرتضی، تلخیص شافی، ج ۳، ص ۷۶.  
<sup>[۲]</sup> تلخیص شیخ طوسی.

### آتش زدن خانه حضرت علی در کلام مسعودی

[مسعودی](#) در قسمتی از کتاب خود آورده است: «فَوَجَّهُوا إِلَى مَنزِلِهِ فَهَجَمُوا عَلَيْهِ وَ أَحْرَقُوا بَابَهُ... وَ صَغَطُوا سَيِّدَةَ النِّسَاءِ بِأَلْبَابِ حَتَّى اسْقَطْتُمُخْسِينًا؛ پس (عمر و همراهان) به خانه علی علیه السلام رو کرده و هجوم بردند، خانه آن حضرت را به آتش کشیدند؛ با در به پهلو [سیده زنان عالم](#) زدند؛ چنان که [محسین](#) را سقط نمود.»  
<sup>[۱]</sup> اثبات الوصیة، مسعودی، (چاپ بیروت) ص ۱۵۳ و در برخی چاپها ص ۲۳ - ۲۴.

۱- **عبدالکریم بن احمد شافعی**، شهرستانی (۵۴۸ - ۴۷۹ ق.) نقل کرده: «إِنَّ عُمَرَ صَرَبَ بَطْنَ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّى أَلْقَا الْجَنِينَ مِنْ بَطْنِهَا، بِه رَاسْتَى عَمْرٌ دَر رَوْزِ بَيْعَتِ، ضَرْبَتِي بِه فَاطِمَةَ عَلِيهَا السَّلَامُ وَارَدَ كَرْدَ كِه بَرِ اَثْرَ اَن، **حَنِين** خَوِيَش رَا سِقَطَ نَمُود.» [۱۵] الملل و النحل، عبدالکریم شهرستانی، ج ۱، ص ۵۷.

همین قول را **اسفرائینی** (متوفای ۴۲۹ ق.)، به نظام نسبت داده و گفته است که او قائل بود: «أَنَّ عُمَرَ صَرَبَ فَاطِمَةَ وَ مَنَعَ مِيرَاثَ الْعُرْتَةِ، عَمْرٌ فَاطِمَةَ عَلِيهَا السَّلَامُ رَا زِدَ وَ اَزِ اِرْثِ اَهْلِ بَيْتِ عَلِيهِمُ السَّلَامِ جَلُوكِيَرِي كَرْد.» [۱۶] الفرق بين الفرق، عبدالقاهر الاسفرائینی، ص ۱۰۷.

۲- **صفدی** یکی دیگر از علمای اهل سنت می‌گوید: «إِنَّ عُمَرَ صَرَبَ بَطْنَ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّى أَلْقَتِ الْمُحْسِنِينَ مِنْ بَطْنِهَا، بِه رَاسْتَى عَمْرٌ اَن چنان فاطمه علیها السلام را در روز بیعت زد که محسن را سقط نمود.» [۱۷] الوافی بالوفیات، صفدی، ج ۵، ص ۳۴۷. [۱۸] سفینة البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۲۹.

۳- **مقاتل بن عطیه** می‌گوید: **ایبکر** بعد از آن که با **تهدید** و **ترس** و **شمشیر** از مردم بیعت گرفت، **عمر** و قنذ و جماعتی را به درب خانه علی و زهرا علیهما السلام فرستاد. عمر هیزم را در خانه فاطمه جمع نمود و درب خانه را به آتش کشید، هنگامی که فاطمه زهرا علیها السلام پشت در آمد، عمر و **اصحاب** او جمع شدند و عمر آن چنان حضرت فاطمه علیها السلام را پشت در فشار داد که فرزندش را سقط نمود و میخ دربه سینه حضرت فرو رفت (و بر اثر آن صدمات) حضرت به (بستر) بیماری افتاد تا آن که از دنیا رفت.» [۱۹] الامامة والخلافة، مقاتل بن عطیه، ص ۱۶۰ - ۱۶۱.

۴- ابن ابی الحدید نقل نموده است: «**ابو العاص**، شوهر **زینب**، **دختر پیامبر اکرم** صلی الله علیه و آله وسلم در **جنگ** از طرف مسلمانان به **اسارت** گرفته شد؛ ولی بعدا مانند **اسیران** دیگر آزاد شد. ابو العاص به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم **وعدده** داد که پس از مراجعت به **مکه**، وسائیل مسافرت دختر پیامبر (صلی الله و علیه و آله) را به **مدینه** فراهم سازد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به **زینب حارثه** و گروهی از **انصار**، مأموریت داد که در هشت مایلی مکه توقف کنند و هر موقع **کجاوه** زینب به آن جا رسید، او را به مدینه بیاورند. **قریش** از خروج دختر پیامبر (صلی الله و علیه و آله) از مکه آگاه شدند. گروهی تصمیم گرفتند که او را از نیمه راه باز گردانند. **حبارین الاسود** (یا **هبار ابن الاسود**) با گروهی خود را به کجاوه زینب رساند و نیزه خود را بر کجاوه دختر پیامبر (صلی الله و علیه و آله) کوبید. از ترس آن، زینب، کودکی را که در رحم داشت، سقط کرد و به مکه بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از شنیدن این خبر سخت ناراحت شد و در فتح مکه (با این که همه را بخشید و آزاد نمود) خون **فانل** فرزند زینب را **مباح** شمرد.»

ابن ابی الحدید می‌گوید:

«من این جریان را برای استاد **ابو جعفر نقیب** خواندم، او گفت: وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خون کسی که دخترش زینب را ترسانید و او سقط جنین کرد را مباح شمرد، قطعاً اگر زنده بود خون کسانی را که دخترش فاطمه علیها السلام را ترسانیدند که باعث شد فرزندش (محسن) را سقط کند، حتماً مباح می‌شمرد.»

ابن ابی الحدید می‌گوید، به استادم گفتم:

«آیا از شما **نقل** کنم آن چه را مردم می‌گویند که فاطمه بر اثر **ترس** (و ضرباتی که بر او وارد شد) فرزندش را از دست داد؟ پس گفت: نه! از طرف من نقل نکن! و همین طور رد و **بطلان** آن را نیز از طرف من نقل نکن! چون **اخبار** در این زمینه **متعارض** است.» [۱۱] **شرح نهج البلاغه**، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۹۳. [۱۲] زندگی علی علیه السلام، ص ۲۵۳.

این **قصة**، به خوبی نشان می‌دهد که **اخبار موافق** با **نظریات شیعه** در بین **روایات اهل سنت** نیز وجود داشته و خود این ابی الحدید نیز در قسمتی از کلامش **اعتراف** می‌کند؛ آن جا که می‌گوید: «عَلَى أَنَّ جَمَاعَةً مِنْ أَهْلِ الْحَدِيثِ قَدْ رَوَوْا نَحْوَهُ، گروهی از **اهل حدیث** (از اهل سنت نیز) مانند آن چه را **شیعیان** می‌گویند نقل کرده‌اند. [۱۳] **شرح نهج البلاغه**، ج ۲، ص ۲۱۱.

۵- **سکونی** یکی از **روایان اهل سنت** است (سه نفر از روایان اهل سنت، از **امامان شیعه** علیهم السلام **روایت** نقل نموده‌اند که **علمای شیعه** آنان را **تفه** می‌دانند و به سخن آنان **اطمینان** دارند و روایات آنها را می‌پذیرند: **سکونی**؛ **توفلی**؛ **خلوقی**.) او می‌گوید: «نزد **امام صادق** علیه السلام رفتم؛ در حالی که غمگین و ناراحت بودم. امام صادق علیه السلام فرمود: ای سکونی! چرا ناراحتی؟! گفتم: خداوند فرزند دختری به من داده (از این که فرزندم پسر نبوده و دختر است ناراحت) پس حضرت فرمود: ای سکونی، سنگینی دختری را زمین بر می‌دارد و روزی او بر **خداوند** است و بر غیر **احل** شما زندگی می‌کند و از **رزق** شما نمی‌خورد (پس چرا ناراحتی؟).»

سکونی می‌گوید: (با کلمات امام صادق علیه السلام) غم رفت. آن گاه فرمود:

«مَا سَمِيَتْهَا؟ قُلْتُ: فَاطِمَةَ. قَالَ: أَهْ أَمْ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِي وَ كَانِي بِه فِدْ بَكِي وَ قَالَ: إِذَا سَمِيَتْهَا فَاطِمَةَ فَلَا تَسُبُّهَا وَلَا تَضْرِبُهَا وَلَا تَلْعَنُهَا. هَذَا الْأِسْمُ مُحْتَرَمٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُوَ اسْمٌ إِشْتَقَّ مِنْ إِسْمِهِ لِحَبِيبَتِهَا الصِّدِّيقَةِ وَ كَانَ الْإِمَامُ لَمَّا سَمِعَ بِاسْمِ فَاطِمَةَ ذَكَرَ حِدَّتَهُ وَ مَصَاتِبَهَا وَ لَمْ يَزَلْ يَذْكُرُ وَيَقُولُ: وَ كَانَ سَبَبَ وَفَاتِهَا أَنْ قُنُذَ مَوْلَى فَلَانَ [۱۴] شجرة طوبى، مجدهدى حائرى، ص ۴۱۷.

چه نامی بر او گذاردی؟ گفتم: فاطمه؛ فرمود: آه. سپس دست خود را بر پیشانی‌اش گذاشت و گویا **گریه** می‌کرد و فرمود: حال که او را فاطمه نامیدی به او **نایسزا** نگو؛ او را (**کنک**) نزن و **نفرینش** نکن (چرا که) این نام در نزد خداوند با **عظمت**، **مخترم** است؛ و آن نامی است که خداوند از اسم خود برای حبیب خود **صدیقه** گرفته است. (آن گاه سکونی می‌گوید همیشه امام صادق علیه السلام اینگونه بود که وقتی نام فاطمه علیها السلام را می‌شنید به یاد جده‌اش (فاطمه) و **مصیبت‌های** او می‌افتاد و همیشه **تذکر** می‌داد و می‌گفت: سبب **وفات** (و شهادت) فاطمه علیها السلام ضربتی بود که قنذ، **غلام** فلانی (یعنی عمر) بر او وارد ساخت.

توجه دارید که سکونی با همه وفاتتی که دارد، اینجا تعصب سنی‌گری خویش را نشان داده و ذیل کلام امام صادق علیه السلام را حذف و تحریف نموده است. با این حال، مطلب روشن است که سبب شهادت فاطمه زهرا علیها السلام همان ضرباتی بود که به دست قنذ و عمر بر آن حضرت وارد شد.

چنان که ابابصر از امام صادق علیه السلام متن کامل کلام حضرت را به این صورت نقل نموده است: «وَ كَانَ سَبَبَ وَفَاتِهَا أَنْ قُنُذَ مَوْلَى عُمَرَ لَكْرَهَا يَتَغَلَّ السَّيْفُ بِأَمْرِهِ فَاسْقَطَتْ مُحْسِنًا وَ مَرِضَتْ مَرَضًا شَدِيدًا وَ لَمَّا تَدَخَّلَ عَلَيْهَا، سَبَبَ **فُوت** فَاطِمَةَ عَلِيهَا السَّلَامُ ضَرْبَاتِي بُوَدَ كِه قَنُذُ، **غلام عمر** با غلاف شمشیر بر آن حضرت به فرمان عمر زد؛ پس (فرزندش) محسن را از دست داد و به شدت **بیمار** شد و هیچ یک از **آزار دهنده‌گان** خویش را راه نداد (که به دیدن او بیایند).

## پانویس

۱. [↑ شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۶۰.](#)
۲. [↑ سید مرتضی، تلخیص شافی، ج ۳، ص ۷۶.](#)
۳. [↑ تلخیص شیخ طوسی.](#)
۴. [↑ اثبات الوصیة، مسعودی، \(چاپ بیروت\) ص ۱۵۲ و در برخی چاپها ص ۲۳ - ۲۴.](#)
۵. [↑ الملل و النحل، عبدالکریم شهرستانی، ج ۱، ص ۵۷.](#)
۶. [↑ الفرق بین الفرق، عبدالقاهر الاسفرائینی، ص ۱۰۷.](#)
۷. [↑ الوافی بالوفیات، صفدی، ج ۵، ص ۳۴۷.](#)
۸. [↑ سفینة البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۲۹.](#)
۹. [↑ الامامة والخلافة، مقاتل بن عطیة، ص ۱۶۰ - ۱۶۱.](#)
۱۰. [↑ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۴، ص ۱۹۳.](#)
۱۱. [↑ زندگی علی علیه السلام، ص ۲۵۲.](#)
۱۲. [↑ شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۱.](#)
۱۳. [↑ شجره طوبی، محمدمهدی حائری، ص ۴۱۷.](#)
۱۴. [↑ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۰.](#)

## منبع

[شهر سؤال.](#)

رده‌های این صفحه : [تاریخ معصومان](#) | [حضرت زهرا](#)